

امام صادق علیه السلام



امام صادق علیه السلام

۵۵:

جعفر بن محمد معروف به امام جعفر صادق علیه السلام (۳۳-۳۳ق)، ششمین امام شیعیان امام و نجمین امام شیعیان اسماعیلیه است. دوران امامت او با خلافت پنج خلفه آخر اموی یعنی از هشام بن عبدالملک به بعد و دو خلفه نخست عباسی سفاح و منصور دوانگه همزمان بود. امام صادق علیه السلام به جهت ضعف حکومت اموی، فعالیت علمی بسیار بیشتر نسبت به دیگر امامان شیعه داشته است. شمار شاگردان و راویان او را هزار نفر دانسته‌اند. بیشتر روایات اهل بیت علیه السلام، از امام صادق است. از این رو مذهب شیعه امام را مذهب جعفر نیز می‌خوانند.

امام صادق در میان شیوخان فقه اهل سنت جایگاه بالایی دارد. ابوحنیفه و مالک بن انس از او روایت کرده‌اند. ابوحنیفه او را عالم‌ترین فرد در میان مسلمانان دانسته است. در سال ۳۳ قمری، شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الأزهر مصر، مذهب جعفر را به رسمیت شناخت.

امام صادق با وجود ضعف حکومت اموی و درخواست شیعیان، بر ضد حکومت قلام نبرد. او درخواست‌ها را ابومسلم خراسانی و ابوسلمه را برای برعهده گرفتن خلافت رد کرد. در قلام عمویش زید بن علی نلز شرکت نکرد. و هم‌نظیر شیعیان را از قلام برهیز مآداد. با این‌همه روابط حسنه با حاکمان زمان خود نداشت. او به جهت فشارها سلاسه حکومت‌ها اموی و عباسی از روش تقیه استفاده مآلرد و به آرائش نلز نلزن توصیه مآلرد.

امام صادق علیه‌السلام به‌منظور ارتباط بیشتر با شیعیان، پاسخ به سؤالات شرعی آنها، دریافت وجوه شرعی و رسد به مشکلات شیعیان، سازمان و مالت را تشل داد. فعالیت این سازمان در زمان امامان بعد سترش آدا لرد و در غلبت صغرا به اوج رسد. در زمان او فعالیت غالبان سترش یافت. و با اندیشه غلو به شدت برخورد و غالبان را آفر و مشر معرفی لرد.

امام صادق علیه‌السلام به علت احضار حکومت، به عراق سفر لرده و به ربلا، نجف و لوفه رفته است. و قبر امام علی علیه‌السلام را ه تا سش از آن نهان بود، به آرائش نشان داد. برخی از علماء شعه معتقدند ه امام صادق علیه‌السلام به دستور منصور دوانلق و بر اثر مسمومت شهید شده است. برطبق منابع روا شعه، و امام باظم علیه‌السلام را به عنوان امام بعد از خود به اصحابش شناسانده بود؛ اما به‌منظور حفظ جان امام باظم، نج نفر، از جمله منصور خلافه عباسی را وص خود معرفی لرد. پس از شهادت امام صادق علیه‌السلام فرقه‌ها مختلف در شعه شل گرفت ه اسماعله، فطدله و ناوسله از آن جمله‌اند.

از هشتصد کتاب درباره امام صادق علیه‌السلام نام برده‌اند ه کتاب‌ها اخبار الصادق مع اب حلقه و اخبار الصادق مع المنصور از محمد بن وهبان دبل (قرن ۲) از قدماترین آنها است. برخی دیگر از کتاب‌ها درباره امام صادق عبارت است از: زندان امام صادق جعفر بن محمد علیه‌السلام نوشته سید جعفر شهید، الامام الصادق علیه‌السلام و المذاهب الاربعة نوشته اسد حدر، شوا صادق از سادعلا خامنه و موسوعة الإمام الصادق، تألف باقر شرف قرش.

نام، نسب و القاب

جعفر بن محمد بن علی بن حسن بن علی بن ابیطالب، ششمین امام مذهب شیعه امام (حدیثات فخر الساسی، امامان شیعه، ص ۳۳۳) و نهمین امام مذهب اسماعیلیه است (تاریخ فرق اسلام، ج ۱، ص ۳۳۳، ۳۳۴)، پدر او امام محمد باقر علیه السلام و مادرش ام فروه دختر قاسم سر محمد بن ابوبکر بود (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳) بر طبق کشف الغمّه، از آنجا که نسب مادر امام صادق علیه السلام هم از پدر و هم از مادر به ابوبکر مآرسد، امام صادق گفته است: «لَقَدْ وَكَدَنِي أَبُو بَكْرٍ مَرَّتَيْنِ» (من دو بار از ابوبکر متولد شدالم)؛ اما برخی از جمله علامه شوستر و محمدباقر مجلسی، این روایت را جعلی میدانند. (بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

نهمین مشهور امام صادق علیه السلام، ابو عبدالله (ناظر به دومین فرزندش عبدالله افطح) است. با نهمینها ابواسماعیل (ناظر به فرزند ارشدش، اسماعیل) و ابوموسا (ناظر به دومین فرزندش امام موسی کاظم علیه السلام) نیز از او نام برده اند. (جعفر صادق علیه السلام، امام، ص ۳۳۳) مشهورترین لقب ایشان «صادق» است (همان)؛ بر طبق روایتی، امامیر اسلام صلی الله علیه و آله این لقب را به او داده است تا از جعفر ذاب تملز آباد (مال الدین، ص ۳۳۳؛ القاب الرسول و عترته، ص ۳۳، ۳۴)؛ اما برخی گفته اند امام صادق علیه السلام به جهت برهنگی از شریعت در قلمها عصر خود، صادق لقب گرفته است؛ بر آن در آن زمان به سبب مردم را برد خود جمع و به قلم برضد حکومت تحریر مملکت، ذاب (دروغ) مملکتند (جعفر صادق علیه السلام، امام، ص ۳۳۳) در همان دوران ائمه این لقب بر او امام صادق علیه السلام به بار مملکت گرفته است (همان) و برخی از علماء اهل سنت چون مالک بن انس، احمد بن حنبل و جاحظ نیز از او با این لقب نام برده اند. (همان)

زندگی نامه

امام صادق علیه السلام، در ربیع الاول سال ۳۳ ق در مدینه به دنیا آمد و در سال ۳۳ ق در ۳۳ سالگی همانجا درگذشت (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳) برخی ولادتش را در سال ۳۳ ق نوشته اند (ن. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۳۳۳) هم‌نظیر ابن قتیبة الدنور و وفاتش را در سال ۳۳ ق ثبت کرده است (ن. المعارف، ص ۳۳۳) که آن را خطا در ضبط میدانند (جعفر صادق علیه السلام، امام، ص ۳۳۳)، در خصوص روز و ماه وفات امام صادق

علیه السلام اختلافانظر وجود دارد. در ده ماه مشهور علماء متقدم شلعه ان است ه و در ماه شوال در گذشته است؛ اما در منابع متقدم روز وفات نه آمده است؛ با ان همه منابع متأخر شوال را روز وفات دانسته اند (همان)، در مقابل ده ماه مشهور، در بحار الانوار به نقل از کتاب مصباح فعم آمده است ه امام صادق علیه السلام در ش رجب وفات رده است، اما محققان کتاب ان مطلب را در آن نهافته اند. (ن: بحار الانوار، ج، ص)

همسران و فرزندان

شلخ مفاد برا امام صادق علیه السلام ده فرزند و نه همسر برشمرده است: (ن: الارشاد، ج، ص)

همسر

نسب

فرزندان

توضیحات

حمده

دختر صاعد ه صالح

ناظم علیه السلام، اسحاق و محمد

امام باقر علیه السلام امام ششمین امامان است. (ملل و نحل، ج ۱، ص ۳۳۳)

فاطمه

دختر حسن بن علی بن حسین (ع)

اسماعیل، عبدالله افطح و ام فروة

عبدالله پس از درگذشت پدر ادعای امامت کرد و پیروان او فطحه نام گرفتند (المقالات و الفرق، ص ۳۳۳)،
ص ۳۳۳. اسماعیل در زمان حیات امام صادق علیه السلام درگذشت و او را نپذیرفتند و
فرقه اسماعیلیه را تشکیل دادند. (نیل الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳)

همسران دیگر

عباس، علی، اسماء و فاطمه

به گفته شیخ مفید هر یک از این فرزندان از او (ام ولد) بوده است. (زندانیان امام صادق، ص ۱)

دوران امامت

حیات امام صادق علیه السلام، با خلافت ده خلافت آخر بنی امیه از جمله عمر بن عبدالعزیز و هشام بن
عبدالمطلب و دو خلافت نخست عباسی، سفاح و منصور دوانی که همزمان بود (زندانیان امام صادق، ص ۴). او در

سفر امام باقر به شام که به درخواست هشام بن عبدالمطلب صورت گرفت، همراه پدر بود (همان، ص 6). در امامت امام صادق علیه السلام، پنج خلافتی که آخر امویان بعد از هشام بن عبدالمطلب به بعد و سفاح و منصور خلفاء عباسی حکومت کردند (همان، ص 4). در این دوران حکومت بنی‌امیه ضعف و سرانجام سرنگون شد و پس از آن بنی‌عباس روی کار آمدند. ضعف و عدم نظارت حکومت‌ها فرصت مناسبی برای امام صادق علیه السلام جهت انجام فعالیت‌ها و علم فراهم کردند (همان، ص 47)، البته این آزادی تنها در دهه سوم قرن دوم قمری، وجود داشت و پیش از آن در زمان بنی‌امیه و پس از آن به جهت قتل نفس زکیه و برادرش ابراهیم فشارها سیاسی فراوانی بر ضد امام صادق علیه السلام و پیروانش وجود داشت. (حکایت فخر رازی علیه السلام امامان شیعیه، ص 333)

نصوص امامت

از دوازده ماه شیعیه، امام از جانب خدا تعیین می‌شود و از راه‌ها شناخت او، نصّ (تصریح صحیح امامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌سالمین) امام قبلی به امامت امام پس از خود) است (ارشاد الطالبین، ص 333). خلافت در کتاب کافی روایاتی را به منظور اثبات امامت امام صادق علیه السلام مطرح کرده است. (کافی، ج 3، ص 333 - 334).

سازمان و هیئت

به علاوه چون برائندگان شیعیان در مناطق مختلف اسلام، دشوار بودن ارتباط با شیعیان به علت فشارها سیاسی و عدم دسترسی شیعیان به امام صادق علیه السلام، و مجموعه‌ای از نمایندگان را در مناطق مختلف اسلام تعیین کرد که از آن با نام سازمان و هیئت (سازمان و هیئت ائمه، ج 3، ص 333 - 334). این سازمان وظایفی چون دریافت وجوه شرعی مانند خمس، زکات، نذر و هدایای شیعیان و تحویل آنها به امام، رسیدگی به مشکلات شیعیان، ایجاد ارتباط میان ائمه و شیعیان و پاسخ به سؤالات شرعی آنها را برعهده داشت (سازمان و هیئت ائمه، ج 3، ص 333 - 334). سازمان و هیئت در زمان ائمه بعد پیوسته یافت و در غیبت صغری به وساطت چهار نایب امام زمان به اوج رسید و با آغاز دوره غیبت برای امام زمان و مرگ و قتل چهارم او علیه بن محمد سمرقانی (بررسی تطبیقی سازمان دعوت عباسیان و سازمان وکالت

برخورد با غلامان

در زمان امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام فعالیت‌های غلات، افزایش یافت (حکایت‌های سنی و امامان شیعه، ص ۳۳۳) آنها مقام ربوبی برای ائمه قائل بودند که آنها را مأمیر می‌دانستند. امام صادق علیه‌السلام اندیشه غلو را به‌شدت رد کرد، مردم را از همنشینی با غلامان برهیز داد (همان، ص ۳۳۳ - ۳۳۳) و آنان را فاسق و مفسد و مشرک دانست. (رجال شیعه، ص ۳۳۳)

در حدیثی از وی در خصوص غلامان به شیعیان توصیه شده است: «با آنها همنشینی نکنید، غذا نخورید، نه شام‌ها و مصافحه نکنید» (همان، ص ۲۹۷) امام صادق علیه‌السلام در خصوص جوانان به شیعیان چنین هشدار داد: «مراقب باشید غلات جوانانتان را فاسد نکنند. آنها بدترین دشمنان خدا هستند؛ خدا را بگویند و برای بندگی خدا ربوبیت قائل میشوند». (امالی، ص ۳۳۳)

فعالیت علمی

در دوران امامت امام صادق علیه‌السلام، به علت ضعف حکومت اموی، آزادی بیشتری برای ابراز عقیده به وجود آمد و بحث‌های علمی بسیار در موضوعات مختلف در گرفت (زندگی امام صادق، ص ۳۳ - ۳۳)، این آزادی علمی و دینی که برای مفسران امام از ائمه دوازده‌گانه وجود داشت، سبب شد تا شاگردان امام آزادانه در مباحث علمی شرکت کنند (حکایت‌های سنی و امامان شیعه، ص ۳۳۳ - ۳۳۳)؛ ابان بن تغلب گزارش کرده است که مردم در مسجد از او سؤالات فقهی‌شان را می‌پرسیدند (همان، ص ۳۳۳)؛ امام صادق علیه‌السلام با استفاده از این فرصت، روایات فراوانی در زمینه‌های فقهی و اصول فقه، فقه و... بیان کرد (زندگی امام صادق، ص ۳۳) و به گفته ابن حجر هتیمی، مردم از او دانش‌های فراوان نقل می‌کردند و آوازه او به همه جا رسیده بود (ذیل: المصواع المحرقة، ص ۳۳۳)، ابو بحر جاحظ هم نوشته است دانش و فقه او دنیا را پر کرده بود (رسائل الجاحظ، ص ۳۳۳)، حسن بن علی و شام هم گفته است که نهصد نفر را در مسجد کوفه دیده است که از امام صادق

علیه السلام حدیث نقل می‌کردند. (رجال نجاشی، ص ۳۳)

مذهب جعفر

در میان امامان شیعه، که در اصول دین و فروع دین، بیشترین روایات از امام صادق علیه السلام نقل شده است (جعفر صادق (ع)، امام، ص ۳۳۳) و همچنین بیشترین شمار روایان را داشته است. ارباب شمار روایات کنندگان از او را ۳۳۳ تن دانسته است (ن: شرف الغمة، ج ۳، ص ۳۳۳) به گفته ابان بن تغلب شیعان هرگاه در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف نظر پیدا می‌کردند، به سخن حضرت علی علیه السلام تمسک می‌کردند و آن‌گاه که در سخن امام علی علیه السلام اختلاف نظر داشتند، به سخن امام صادق علیه السلام رجوع می‌کردند (رجال نجاشی، ص ۳۳) به جهت نقل بیشترین روایات فقهی و سلام از امام صادق علیه السلام، مذهب شیعه امام را مذهب جعفر نیز می‌خوانند (زندگانی امام صادق، ص ۳۳)، امروزه امام صادق علیه السلام به نام رئیس مذهب جعفر مشهور است. (امام صادق (ع) رئیس مذهب جعفر، سالت سازمان تبلیغات اسلامی، تاریخ درج: شهر نور ۳۳۳، تاریخ بازدید: ۳۳ آبان ۳۳۳)

در سال ۳۳۳ق، شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الأزهر مصر، در پاسخ به استفتائات، مذهب جعفر را به رسمیت شناخت و عمل به آن را به لحاظ شرعی جایز شمرد. (همبستگی مذاهب اسلام، ص ۳۳۳)، (شیخ محمود شلتوت، سالت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام، فتوا تاریخی شیخ شلتوت مفتی اعظم عالم تسنن و رئیس دانشگاه الأزهر مصر، در سها ۳۳۳ از ملتب اسلام، ش ۳، ۳۳۳)

مناظرات و گفتگوها علم

در متون حدیثی شیعه، مناظرات و گفتگوها میان امام صادق علیه السلام و متقدمان مذاهب دیگر و نیز برخی از منکران وجود خدا گزارش شده است (برای نمونه نگاه کنید: اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳ - ۳۳ و ۳۳ - ۳۳؛ اختصاص، ص ۳۳۳ - ۳۳۳) در برخی از مناظرات شاگردان امام صادق علیه السلام در حضور و در زمینه‌ها که تخصص داشته‌اند، با دیگران مناظره کرده‌اند. در این جلسات امام صادق علیه السلام بر مناظره نظارت کرده و گاه خود نیز وارد بحث شده است (اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۳-۳۳۳) و برای مثال در گفتگو با اهل شام

که خود درخواست مناظره با شامردان امام صادق علیه السلام را داشت، امام از هشام بن سالم خواست تا در زمینه کلام با او گفتگو کند (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)؛ همچنین از فردی که قصد مناظره با او را داشت، خواست تا در هر زمینه‌ای که می‌خواهد، ابتدا با شامردانش گفتگو کند و در صورت غلبه بر آنها با او مناظره کند. آن فرد در زمینه قرآن با حمران بن اعلی، در زمینه ادبیات عربی با ابان بن تغلب، در فقه با زراره و در کلام با مؤمن الطاق و هشام بن سالم مناظره کرد و مغلوب شد. (رجال شه، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

احمد بن علی طبرسی در کتاب الاحتجاج مجموعه‌ای از مناظرات امام صادق علیه السلام را گرد آورده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

مناظره با شیخ از منکران خدا درباره وجود خدا (احتجاج، ج ۲، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

مناظره با ابوشامر داصانی، درباره وجود خدا (همان، ص ۳۳۳)

مناظره با ابن ابی العوجاء درباره وجود خدا (همان، ص ۲۵ - ۲۶)

مناظره با ابن ابی العوجاء درباره حدوث عالم (همان، ص ۳۳۶)

مناظره‌ای طولانی با شیخ از منکران وجود خدا درباره مسائل مختلف دینی (همان، ص ۳۰۶ - ۳۵۲)

مناظره با ابوحنیفه درباره شیوه استنباط احکام فقهی، به او قیاس (همان، ص ۳۶۰ - ۳۶۲)

مناظره با برخی از علماء معتزله درباره شیوه انتخاب حاکم و برخی احکام فقهی (همان، ص ۳۶۲ - ۳۶۴)

سلسله سؤالات

حکایت امام صادق علیه السلام، با خلافت ده خلفه آخر بنی امیه از جمله عمر بن عبدالعزیز و هشام بن

عبدالملک و دو خلفه نخست عباس، سفاح و منصور دوانلق هم‌زمان بود (زندگانی امام صادق، ص ۶) ، او در سفر امام باقر به شام به درخواست هشام بن عبد الملک صورت گرفت، همراه در بود (همان، ص ۶)، در امامت امام صادق علیه‌السلام، پنج خلفه آخر اموی بعد از هشام بن عبدالملک به بعد و سفاح و منصور خلفاء عباس حکومت کردند (همان، ص ۴) در این دوران حکومت بنی‌امیه ضعف و سرانجام سرزنش شد و پس از آن بنی‌عباس رو به کار آمدند. ضعف و عدم نظارت حکومت‌ها فرصت مناسبی برای امام صادق جهت انجام فعالیت‌ها علم فراهم برد (همان، ص ۴۷) البته این آزادی تنها در دهه سوم قرن دوم هجری، وجود داشت و پس از آن در زمان بنی‌امیه و پس از آن به جهت قتل نفس زکیه و برادرش ابراهیم فشارها سیاسی فراوانی بر ضد امام صادق علیه‌السلام و شیعانیش وجود داشت. (حکایت فخر سیاسی امامان شیعیه، ص ۳۳)

دوره از قتل امام مسلحانه

بهارغم آنکه امامت امام صادق علیه‌السلام با ضعف و فروپاشی امویان همراه بود، و از درگیری‌ها نظامی و سیاسی دوری جست و حتی دعوت به خلافت را نپذیرفت. شهرستان وزارتش کرده است که ابومسلم خراسانی پس از مرگ ابراهیم امام، در نامه‌ای امام صادق علیه‌السلام را شایسته‌ترین فرد برای خلافت خواند و از او دعوت کرد تا خلافت را بپذیرد؛ اما امام صادق علیه‌السلام در پاسخ نوشت: «نه تو از کاران مذبذب و نه زمانه، زمانه من است» (الملل والنحل، ج ۱، ص ۳۳۳) او پاسخ دعوت ابوسلمه برای خلافت را نپذیرد با سوزاندن نامه‌اش داد (مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۳۳) و هم‌زمان در قتل‌ها که بر ضد حکومت رو داد، از جمله قتل عموش زید بن علی، شریعت نبرد (امام جعفر صادق، ص ۳۳۳ - ۳۳۳) بر طبق حدیث، امام صادق علیه‌السلام نبود کاران راستین را علت خودداری از قتل شمرده است. (مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۳۳)

اختلاف با عبدالله بن حسن مثنی

در سال‌ها ۷۰۰ هجری حکومت بنی‌امیه، گروهی از بنی‌هاشم از جمله عبدالله بن حسن مثنی و سرانش و سفاح و منصور در ابواء جمع شدند تا برای قتل برضد حکومت، با او از خودشان بیعت کنند. در این جلسه عبدالله سرش محمد را مهدی معرفی کرد و از حاضران خواست با او بیعت کنند.

امام صادق علیه السلام وقتاً از آن داستان مطلع شد، گفت: کسر تو مهدی نیست و آنون نیز هذلام ظهور مهدی نیست. عبدالله از سخنان و خشمش شنید و او را به حسادت متهم کرد. امام صادق علیه السلام قسم خورد که از رو حسادت سخن نگوید و شش‌بند کرد که سران او شسته می‌شوند و خلافت به سفاخ و منصور می‌رسد (مقاتل الطالبین، ص ۳۳۳ - ۳۳۴) رسول جعفریان ریشه اختلاف میان فرزندان امام حسن علیه السلام و فرزندان امام حسین علیه السلام را همین داستان دانسته است. (حکایات فخر الساسی، امامان شایعه، ص ۳۳۳)

رابطه با حاکمان

با وجود دوری امام صادق علیه السلام از قلم مسلحانه برضد حکومت‌ها، و روابط حسنه با حاکمان زمان خود نداشته است. زمانیکه همراه پدرش امام محمد باقر علیه السلام به حج رفته بود، در مراسم حج، اهل بیت علیهم السلام را بر لزوم دانستن خدا معرفی و به دشمنی خلفه هشام بن عبدالملک با اهل بیت علیهم السلام اشاره کرد (بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۳۳) و در پاسخ به منصور دوانلقی که از او خواست مانند دیگر مردم نزد او برود، نوشت: ما بگزینداریم که به جهت آن از تو بترسیم و تو بگزین از امور اخرو بداریم که ما به جهت آن به تو امیدوار باشیم و نه تو در نعمت هستی که ما آن را به تو تبریم و تو بداریم که در مصیبت هستی که آن را به تو تسلیم می‌کنیم. پس ما را با تو بدار؟! (همان، ج ۴۷، ص ۱۸۴)

آتش زدن خانه امام صادق (ع)

بنابر روایتی از کتاب لاف، هذلام که حسن بن زید و امام و مدینه بود، به دستور منصور عباسی، خانه امام صادق علیه السلام را آتش زد. طبق این روایت در این آتش‌سوزی در دهلاز خانه امام علیه السلام در آتش سوخت و امام علیه السلام در حالیکه از میان آتش عبور می‌کرد، از خانه خارج شد و گفت: من فرزند اعراب التری (لقب حضرت اسماعیل) هستم. من فرزند ابراهیم خلیل الله هستم. (لاف، ج ۳، ص ۳۳۳)

البته طبری نوشته است که منصور در سال ۳۳۳ قمری دو سال پس از وفات امام صادق علیه السلام، حسن

بن زید را حلّمران مدینه کرده است. (تاریخ طبرستان، روائج التراث العربی، ج ۱، ص ۱۱۱)

به‌لاری بر شلوه تقه

به‌جز دهه سوم قرن دوم قمری که با فروپاشی خلافت بنی‌امیه هم‌زمان بود، خلفای اموی و عباسی همواره فعالیت‌ها را امام صادق علیه‌السلام و کارانش را زیر نظر داشتند. فشارها سراسر در اواخر زندگی امام صادق علیه‌السلام پیش از آن شد (حدیث فخر الساسی امامان شیعیه، ص ۱۱۱) طبق برخی روایات مأموران منصور دوانلقی سنان را که با شیعیان امام صادق علیه‌السلام در ارتباط بودند، شناسایی می‌کردند و کشتن می‌کردند. از این رو امام صادق علیه‌السلام و کارانش از روش تقه استفاده می‌کردند. (همان)

امام صادق به سفلیان تور که به ددار او آمده بود، توصیه کرد به جهت آنکه هر دو آنها را حکومت تحت‌انظر گرفته است، برود (مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۱۱) در حدیث دیگر امام صادق علیه‌السلام از ابان بن تغلب خواسته است که در پاسخ به پرسش‌ها فقهاء مردم، برای آنکه مشایخ شیعیان، دد‌هاها علماء اهل سنت را برایشان نقل کند (رجال شیعی، ص ۱۱۱)، هم‌لین روایات از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که بر تقه تأکید می‌کنند. در برخی از آنها تقه در جایگاه برابر با نماز قرار گرفته است. (روضه‌المواعظین، ج ۱، ص ۱۱۱)

خصوصیات اخلاق

در منابع روایی در زمینه و شیوه‌ها اخلاق امام صادق علیه‌السلام گزارش‌ها از زهد، انفاق، علم فراوان، عبادت بسیار و تلاوت قرآن آمده است. محمد بن طلحه امام صادق علیه‌السلام را از بزرگترین افراد اهل بیت، دارای علم فراوان، بسیار اهل عبادت و زهد و تلاوت قرآن توصیف کرده است (شف الغمه، ج ۱، ص ۱۱۱) مالک بن انس از ائمه فقهاء اهل سنت گفته است: در مدتی که پیش امام صادق علیه‌السلام می‌رفتم، همیشه او را در حالی که نماز خواندن، روز داری و ذکر گفتن دیده‌ام. (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۱)

به گزارش بحار الانوار امام در پاسخ به درخواست فقیر، چهارصد درهم به او داد و چون سلاس زار را او را داد، انگشترش را هم که ده هزار درهم مملارزید، به او بخشید (همان، ص 61)، روایاتها نیز از انفاقها نشان میدهد امام صادق علیه السلام در دست است. به نوشته کتاب افا، او شبها مقدار نان و گوشت و بول در سینه مملارخت و به صورت ناشناس به در خانه تهلستان شهر مملبرد و مملان آنها تقسیم مملرد (افا، ج ۳، ص ۳۰). ابو جعفر خنعم نقل کرده است که امام صادق علیه السلام سینه مملرا را به او داد و از او خواست آن را به فردی از بنی هاشم بدهد و نلورد که سینه آن را فرستاده است. به گفته خنعم هذام که آن فرد بول را گرفت، برای فرستنده آن دعا کرد و گفت: او همش به برایش بول مملفرستد؛ اما امام صادق علیه السلام، با وجود ثروتش نیز به او نملدهد. (مناقب آل اب طالب، ج ۱، ص ۳۳۳)

سفر به عراق

امام صادق علیه السلام در زمان حکومت سفاح و نیز حکومت منصور دوانلق به علت احضار حکومت، سفرها را به عراق داشته است. او در این سفرها به لر بلا، نجف، بوفه و حله هم رفته است (الامام الصادق، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۳، ص ۳۳۳ و ۳۳۴)، محمد بن معروف هلالا نقل کرده است که در سفر امام صادق علیه السلام به حله، مردم به شدت از او استقبال رده اند؛ به گونه ای که تا چند روز به جهت ازدحام مردم، نتوانسته است امام را ملاقات کند. (بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۳ - ۳۳۴)

محراب امام صادق علیه السلام در مسجد بوفه که در بخش شرقی مسجد، نزد قبر مسلم بن عقیل قرار دارد و محراب او در مسجد سهله از جمله یادگارها و در عراق است (الامام الصادق، ج ۳، ص ۳۳۳)، امام صادق قبر امام حسن علیه السلام در لر بلا را زیارت کرده است (همان ص 130)، در ساحل رود حسلن در لر بلا، بنا است که محرابی منسوب به امام صادق در آن قرار دارد. (همان)

نشان دادن قبر حضرت علی (ع)

در برخی روایات از زیارتها امام صادق علیه السلام از قبر امام علی علیه السلام سخن آمده

است (تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۴) او قبر امام علی علیه السلام را که تا پیش از آن پنهان بود، به بارانش نشان داد. به گفته لایذی، و روزی نزد بن عمرو بن طلحه را به ملائذی ممان حیره و نجف برد و قبر حضرت علی علیه السلام را به او نشان داد (لافی، ج ۱، ص ۳۳۳)، شیخ طوسی نیز گفته است: امام صادق علیه السلام نزد قبر امام علی آمد، نماز خواند و به لونس بن ظبجان گفت: این مزار امر المؤمنین است. (تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۳)

شایردان و راویان

شیخ طوسی در رجال خود از حدود ۳۳۳ راوی برای امام صادق علیه السلام نام میبرد (اختصار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)، شیخ مفید در کتاب الارشاد شمار راویان او را به چهار هزار نفر می‌رساند (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۳)، گفته‌اند ابن عقده کتابی در خصوص راویان امام صادق علیه السلام داشته است که در آن نام ۳۳۳ راوی آمده است. (اللائذی و الالقاب، ج ۱، ص ۳۳۳)

بیشتر نویسندگان اصول اربعمائه (اصول چهارصدگانه شیعه)، شایردان امام صادق علیه السلام بوده‌اند (جعفر صادق علیه السلام، امام، ص ۳۳۳) هم‌زمان در مقایسه با دیگر ائمه، و بیشترین شایردان را از میان اصحاب اجماع داشته است که مورد اعتمادترین راویان ائمه هستند (همان) برخی از مشهورترین شایردان امام صادق علیه السلام عبارتند از:

زُرارة بن اَعْلان، بُرّاد بن معاویه، جَمَل بن دَرّاج، عبدالله بن مُسّان، عبدالله بن بُرّیر، حمّاد بن عثمان، حماد بن عسّی، ابان بن عثمان، عبدالله بن سنان، ابو بصیر، هشام بن سالم و هشام بن حذم.

از روایتی که پیشتر درباره مناظره شایردان امام صادق علیه السلام نقل کرده است، به دست می‌آید که برخی شایردان او در زمانه‌ها خاصه تخصص داشته‌اند. طبق این روایت حمران بن اَعْلان در علوم قرآنی، ابان بن تغلب در ادبیات عرب، زُراره در فقه و مؤمن الطاق و هشام بن سالم در کلام تخصص داشته‌اند (رجال شیخ، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)، برخی دیگر از شایردان امام صادق علیه السلام که در زمانه کلام تخصص داشتند،

عبارت‌اند از حمران بن اعلم، قلس ماصر و هشام بن حالم. (جعفر صادق علیه‌السلام، امام، ص ۳۳۳)

امام صادق علیه‌السلام و اهل سنت

برخی از علماء و ائمه فقهاء اهل سنت، شاگردان امام صادق علیه‌السلام بوده‌اند. شیخ صدوق از مالک بن انس نقل کرده است که و مدتی نزد امام صادق علیه‌السلام مآرفته و از او حدیث مآشندده است (خصال، ص ۳۳۳؛ امال، ص ۳۳۳؛ علل الشرائع ص ۳۳۳) مالک بن انس در کتاب مؤطاً از امام صادق علیه‌السلام حدیث نقل کرده است (موطأ، ص ۳۳۳) ابن حجر هآتمآ نوشته است عالمان بزرآ اهل سنت، لاون حدیث بن سعآد، ابن جرآج، مالک بن انس، سفان بن عآنه، سفان ثورآ، ابوحنفآه، شعبآ بن الحجاج و ابوب سحنآنآ از امام صادق علیه‌السلام روآیت کرده‌اند. (الصواعق المحرقة، ج ۳، ص ۳۳۳)

احادیث مشهور

برخی از احادیث مشهور امام صادق علیه‌السلام به شرح زیر است:

حدیث توحآد مفضل:

توحآد مفضل حدیثآ طولانآ است که امام صادق علیه‌السلام آن را در بهار جلسه به مفضل بن عمر املاء کرده است (نآ: توحآد مفضل، ترجمه مآرزآ)؛ در این حدیث از مسآئل لاون آفرآنش جهان، خلقت انسان، شآفت‌هاآ جهان حیوانات، شآفت‌هاآ آسمان و زمین، حقیقت مرآ و فلسفه خلقت انسان سخن به مآان آمده است. (همان)

حدیث عنوان بصر:

در حدیث عنوان بصر، امام صادق علیه‌السلام پس از تعرف عبودآت، دستورالعمل‌هاآ را در زمانه‌هاآ

رِاضَتِ نَفْسٍ، بَرْدِ بَارٍ و علم، به شخصی به نام عِنوانِ بَصْرِی گفته است. (بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

مقبوله عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَةَ:

این حدیث از دو موضوع قضاوت و تعارض روایات سخن گفته است (ص ۳۳۳، ج ۱، ص ۳۳۳)، طرفداران نظریه ولایات فقهی برای اثبات آن به این حدیث استناد میکنند. (الدیوانة الاسلامیة، ص ۳۳۳ - ۳۳۴؛ نهایة الذرا به نظریه ولایات فقهی، ص ۳۳۳)

دیده‌گاه اهل سنت درباره امام صادق

امام صادق علیه السلام نزد بزرگان اهل سنت جایگاه بالایی داشته است. ابوحنیفه از شیوخان اهل سنت، امام صادق علیه السلام را فقه‌ترین و داناترین فرد در میان مسلمانان دانسته است (تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۳۳)، به گفته ابن ابی الحداد علماء اهل سنت از جمله شیوخان فقهی آنان چون ابوحنیفه، احمد بن حنبل و شافعی با واسطه یا بلاواسطه شایسته امام صادق علیه السلام بوده‌اند و از این رو فقه اهل سنت در فقه شیعیه ریشه دارد (شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۳۳)، با این همه، در فقه اهل سنت، با وجود توجه فراوان به فقیهان معاصر امام صادق علیه السلام چون اوزاعی و سفیان ثوری، به دیده‌گاهها او توجه نشده است (جعفر صادق علیه السلام، امام، ص ۳۳۳) و برخی از علماء شیعیه چون سید مرتضی بدین جهت به علماء اهل سنت انتقاد کرده‌اند. (همان)

درگذشت

بسیاری از منابع متقدم شیعیه و سنن از شهادت امام صادق علیه السلام سخن گفته‌اند (همان، ص ۱۸۷)، برخی از علماء شیعیه هم‌مئون شیخ مفید درگذشت او را به مرتبه طبع دانسته‌اند. برخی نیز با تکیه بر حدیثی که مبنای امامان با قتل از دنیا می‌روند، گفته‌اند امام صادق علیه السلام شهید شده است (همان، ص ۱۸۷) و شیخ صدوق تصریح کرده است که امام صادق علیه السلام به دستور منصور دوانلقی و بر اثر مسمومیت از

دنيا رفته است. (الاعتقادات، ص ۱۱۱)

وصلت امام صادق

بنابر احادیث، امام صادق علیه السلام بارها امام مظلّم علیه السلام را به عنوان امام بعد از خود به اصحاب خاصش معرفی کرده بود (رجال ششم، ص ۱۱۱ - ۱۱۲)؛ اما به جهت سختی راهها عباسیان و به منظور حفظ جان امام مظلّم علیه السلام، پنج نفر، از جمله خلفه عباسی را وصی خود معرفی کرد (سیره شوالیان، ص ۱۱۱)، از آنرو برخیز از اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام مانند مؤمن طاق و هشام بن سالم نیز درباره جاننشین امام صادق علیه السلام مردد بودند. آنان ابتدا سراغ عبدالله افطح رفتند و از او سؤالات پرسیدند؛ اما پاسخها عبدالله آنها را قانع نکرد. سپس با موسی بن جعفر علیه السلام ملاقات کردند و با پاسخها و قانع شدند و امامت او را پذیرفتند. (رجال ششم، ص ۱۱۱ - ۱۱۲)

انشعاب در شعه

پس از شهادت امام صادق علیه السلام فرقه‌ها مختلف در شعه به وجود آمد. گروهی از شیعیان، مر اسماعیل سر امام صادق علیه السلام را انبار کرده، او را امام میدانستند. شمار از این گروه، که از حدیث اسماعیل مأیوس شدند، سر او محمد را امام دانستند. این گروه به اسماعیلیه شهرت یافتند. برخی دیگر عبدالله افطح را امام دانسته، به فطحه مشهور شدند؛ اما پس از مر او که حدود بی روز پس از شهادت امام صادق علیه السلام رخ داد، به امامت موسی بن جعفر معتقد شدند. شمار نیز به گروهی از شخصی به نام ناووس در امامت حضرت صادق علیه السلام توقف کردند و فرقه ناووسیه را به وجود آوردند. عدّه‌ای هم به امامت محمد دباح معتقد شدند. (فرق الشعه، ص ۱۱۱ - ۱۱۲)

تألیفات امام صادق

در برخی از کتابها حدیث شعه رساله‌ها یا نامه‌ها بلند از امام صادق علیه السلام گزارش شده است.

در صحت بعضی از آنها تردید هست، اما بعضی دیگر در کتابت و نون‌اف‌آمده و از اعتبار بالا بر خوردارند. برخی از این رساله‌ها عبارت‌اند از:

رساله امام صادق علیه‌السلام به اصحاب: این رساله شامل توصی‌ها به شیعیان در زمانه‌ها مختلف است و در کتابت آمده است.

رساله شرایع الدین به روایت اعمش: این رساله درباره اصول و فروع دین است. آن را ابن بابویه نقل کرده است.

قطعه‌ای از نامه در زمانه تفسیر.

قطعه‌ای از نامه به اهل قاس در نقد آنان.

الرسالة الأهوازیه. این نامه برای نجاش و اهواز نوشته شده است. متن آن در کتاب شرف الربیه نوشته شهید ثانی آمده است.

توحد المفضل یا کتاب فیر: این رساله حاصل سخنان امام صادق علیه‌السلام درباره خداشناسی برای مفضل بن عمر است که به جهت تکرار عبارت «فیر یا مفضل» (فیر بن ا مفضل) در آن، در گذشته به «کتاب فیر» شهرت داشت.

رساله آهلاکجه: در این رساله امام صادق علیه‌السلام با زشتی‌ها و اثبات وجود خدا گفتگو کرده است. نجاش از این کتاب با نام بدء الخلق و الحث علی الاعتبار نام برده است.

متن مشهور به تفسیر امام صادق (ع):

تفسیر النعمان. (جعفر صادق علیه‌السلام، امام، ص ۳۳۳ - ۳۳۴)

کتاب‌ها نیز وجود دارد که شایردان امام صادق علیه‌السلام از سخنان او تألیف کرده‌اند. برخی از آنها که به رسیده‌اند، عبارت‌اند از:

«الجعفریات» یا «الأشعثات» نوشته محمد بن محمد بن اشعث،

نثر الدرر: متن این کتاب را ابن شعبه حرّانی در تحف العقول آورده است.

الدائم الجعفری،

مجموعه‌ای از کلمات قصار (جملات کوتاه) به روایت سلمان بن ابوب که متن آن در کتاب فرائد السموات جویز آمده است. (همان)

کتاب‌شناسی

کتاب‌ها فراوانی درباره امام صادق علیه‌السلام، انتشار یافته است. کتاب کتاب‌شناسی امام جعفر صادق علیه‌السلام، حدود هشتصد عنوان کتاب را نام برده است. کتاب‌ها اخبار الصادق مع ابی حنیفه و اخبار الصادق مع المنصور از محمد بن وهبان دبیلی (قرن ۱۰) و اخبار جعفر بن محمد از عبدالعزیز حدادی (قرن ۱۱) قدیم‌ترین کتاب‌ها در این زمینه است (همان، ص 219). برخی از کتاب‌ها درباره امام صادق علیه‌السلام عبارت‌اند از:

الامام الصادق علیه‌السلام و المذاهب الاربعه، نوشته اسد حدادی. این کتاب با عنوان امام صادق علیه‌السلام و مذاهب چهارگانه، به زبان فارسی ترجمه شده است. (اسد، امام صادق) و مذاهب اهل سنت، ترجمه محمدحسین سرانجام و دهران)

کتابنامه امام صادق علیه‌السلام از رضا استاد

الإمام الصادق، نوشته محمدحسن مظفر. این کتاب را سیدابراهیم سیدعلوی با عنوان صفحات از زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام، به زبان فارسی برپردانده است. (صفحات از زندگانی امام جعفر صادق، ترجمه سیدعلوی،)

الإمام جعفر الصادق، تأليف عبدالحلیم الجندی

زندگانی امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام، نوشته سید جعفر شهیدی

رتوی از زندگانی امام صادق علیه السلام، نوشته نورالله علی دوست خراسانی

شواهد صادق، از سیدعلی خامنه‌ای

موسوعة الإمام الصادق، تأليف باقر شرف قرشي

موسوعة الامام جعفر الصادق نوشته سیدمحمدحسین مظفر قزوینی. تاکنون هفده جلد این کتاب چاپ شده است. این مجموعه قرار است دو جلد باشد. (نزارش از موسوعه الامام الصادق علیه السلام، ماه اطلاع‌رسانی حوزه، تاریخ بازدید: شهرتور ۱۳۹۹)

موسوعة الإمام جعفر الصادق، نوشته هشام آل قطّاط

مغز متفکر جهان شعله، نوشته ذبیح الله منصور. نویسنده گزارش کتاب را به مرکز مطالعات اسلام استراسبورگ نسبت داده و خود را مترجم آن معرفی کرده است؛ اما برخی این سخن را نادرست دانسته و گفته‌اند که این کتاب وجود خارجی ندارد. (به معنای همایش اسلام‌شناسی استراسبورگ، مهدی شالری و بابا فرما، سلامت امام موسی صدر نلوز)

«لقاب الرسول و عترته»، ضمن المجموعة النفيسة، قم، ١٣٩٩ق.

«شيخ محمود شلتوت»، سالت مجمع جهاند تقرّب مذاهب اسلام.

«نزارش از موسوعه الامام الصادق عليه السلام»، ١٣٩٧هـ اطلاق رساند حوزة، تاريخ بازديد: شهر فور
١٣٩٩.

ابن اب الحداد، عبدالحمّد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٣٩٩ق.

ابن حجر الهيثمي، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة على اهل الرفض و الضلال و الزندقة، تحقيق
عبدالرحمن بن عبدالله التري، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٣٩٩ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علا، مناقب آل اب طالب، قم، علامه، ١٣٩٧ اول، ١٣٩٩ش.

ابن قتّابة الدينور، عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقيق ثروت عاّشة، قاهره، الهيئة المصرية العامة
للكتاب، الطبعة الثالثة، ١٣٩٩م.

ابوالفرج اصفهاند، مقاتل الطالبين، شرح و تحقيق احمد صقر، بيروت، مؤسسه الاعلم للمطبوعات،
١٣٩٩م/١٣٩٩ق.

اربلي، علا بن عاّس، كشف الغمة في معرفة الأئمة، قم، الشريف الرضي، ١٣٩٩ش.

اشعر، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصدح محمدجواد مشور، انتشارات علم و فرهنگ، تهران،
١٣٩٩ش.

بلازار شلرازم، عبداللرلم، همبست مذهب اسلام (مقالات دارالتقرب)، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلام، قم.

لاذم، احمد، «جعفر صادق عليه السلام، امام»، تهران، مركز دائرة المعارف بزر اسلام، قم.

شوا، مهد، ساره شوا؛ نشر بر زندان اجتماع، ساس و فرهنگ امامان معصوم عليه السلام، قم، مؤسسه امام صادق، شانزدهم، قم.

وند به بلرون

جاحظ، عمرو بن بحر، رسائل الجاحظ، بلروت، دار و مكتبة الهلال، قم.

جبار، محمدرضا/ ملبوب، محمدكازم، بررس تطبق سازمان دعوت عباسان و سازمان وكالت اماميه (مراحل شكل و عوامل ددش)، قم، تاريخ در آينه وهش، سال هفتم، شماره سوم، لايز قم، ص-ص.

جبار، محمدرضا، سازمان و كالت و نقش آن در عصر ائمة عليهم السلام، قم، مؤسسه آموزش وهش امام خمين، قم.

جعفران، رسول، حبات فلساس امامان شعه، تهران، علم، سوم، قم.

حدر، اسد، امام صادق و مذهب اهل سنت، ترجمه محمدحسن سرانجام و دهران، قم، انتشارات دانشگاه ادان و مذهب قم، قم.

ذهب، محمد بن احمد، تذرة الحفاظ، بلروت، دارالكتب العلمة، اول، قم.

شهرستان، محمد بن عبدالرّم، الملل و النحل، تحقّق امرّ علاّ مهنا و علاّ حسن فاعور، بلّروت، دارالمعرفه، ق.

شهّد، سدّجعفر، زندانّ امام صادق جعفر بن محمد علاّالسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامّ، ق.

صابرّ، حسّين، تاريخ فرق اسلامّ، تهران، سمت، ق.

صدوق، محمد بن علاّ، الاعتقادات، قم، المؤتمر العالمّ لألفّة الشيخ المفيد، ق/ش.

صدوق، محمد بن علاّ، الامالّ، قم، مؤسسة البعثة، ق.

صدوق، محمد بن علاّ، علون اخبار الرضا علاّالسلام، تحقّق مهدّ لاجوردّ زاده، تهران، انتشارات جهان، بّ تا.

صدوق، محمد بن علاّ، مال الدين و تمام النعمه، تحقّق علاّ ابر غفارّ، تهران، دارالكتب الاسلامّ، ق.

صدوق، محمد بن على بن بابويه، الخصال، تحقّق و تصدّحّ على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسّين، لّ اول، ق.

صدوق، محمد بن على بن بابويه، علل الشرائع، قم، كتابفروشى داورى، لّ اول، ق.

طبرسّ، فضل بن الحسن، اعلام الورّ باعلام الهدّ، تحقّق مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ق.

طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، تحفة و تصدیح محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضى، ١٤٠١ اول، ق.٠٠٠٠٠٠

طبر، محمد بن جرير طبر، تاريخ الطبر، تاريخ الامم و الملوك، تحفة محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، روائح التراث العربى، بلتا.

طوس، محمد بن الحسن، الأمال، تحفة مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافة، ١٤٠١ اول، ق.٠٠٠٠٠٠

طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الأحكام، تحفة و تصدیح حسن الموسوى خراسان، أتهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠١ ههarem، ق.٠٠٠٠٠٠

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ارشاد الطالبين الى نهج المسترشدين، تحفة مهد رجاء، قم، كتابخانه عموم حضرت آلت الله العظمى مرعشى نجفى، ق.٠٠٠٠٠٠

فتال نيشابورى، محمد بن احمد، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، قم، انتشارات رضى، ١٤٠١ اول، ق.٠٠٠٠٠٠

قم، عباس، الآذنة و الألقاب، طهران، ملتبه الصدر، ١٤٠١ لنجم، ق.٠٠٠٠٠٠

الآذنة، محمد بن اعقوب، الآذنة، تحفة علاءالبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠١ ههarem، ق.٠٠٠٠٠٠

كشى، محمد بن عمر، اختصار معرفة الرجال، تحفة و تصدیح شيخ طوس و حسن مصطفى، مشهد، مؤسسه نشر دانشاه مشهد، ١٤٠١ اول، ق.٠٠٠٠٠٠

مالا بن أنس، موطاء الامام مالا، تحفة محمد مصطفى اعظم، ابوظبى، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهلمان،

ق.ق.ق.

مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، أبحار الأنوار، بـلروت، دار إحياء التراث العربي، ق.ق.ق.

مسعود، علاء بن حسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دار الهجرة، الطبعة الثالثة، ق.ق.ق.

مصباح زرد، محمدتقي، نـلهاهـ ذرا به نظر هـ ولايت فقهه، قم، انتشارات مؤسسه آموزشـ و پژوهشـ امام خمـنـ، ١٤٠١ بـست و ششم، ق.ق.ق.

مظفر، محمدحسن، الامام الصادق، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، بـلـتا.

مظفر، محمدحسن، صفحاتـ از زندـلانـ امام جعفر صادق، ترجمه سـدـابراهـم سـدـعلو، قم، رسالت، ١٤٠١ دوم، ق.ق.ق.

معمـا هـماشـ اسلامـشناسـ استراسبور، مهدـ شـر و بابـ فرماله، ساـت امام موسـ صدر نـوز.

مفضل بن عمر، تـودـ مفضـ؛ شـفتـهاـ آفرـنش از زبان امام صادق علاءالسلام، ترجمه نجفـ مـرزا، قم، هـرت، ١٤٠١ هـدهم، ق.ق.ق.

مفـد، محمد بن محمد، الارشاد فـ معرفة حجـ الله علاء العباد، قم، المؤتمر العالمـ لألفـة الشـخ المفـد، ق.ق.ق.

مفيد، محمد بن محمد، الإختصاص، تحقـ علاءـبراً غفاري و محمود محرمي زرندي، قم، المؤتمر العالمـ لألفية الشيخ المفيد، ١٤٠١ اول، ق.ق.ق.

موسوـ خمـنـ، سـدـروح الله، الحـومة الاسلامـه، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمـنـ، ١٤٠١ نهم،

نجاه، احمد بن علاء، رجال النجاه، قم، جماعة المدرسين، ٥٠٠٠٠ ق.

نجف، «امام صادق علاء السلام رئس مذهب جعفر»، سالت سازمان تبلاغات اسلام، تاريخ درج: ٥ شهر لور ٥٠٠٠، تاريخ بازديد: ٥ آبان ٥٠٠٠.

نوبخت، حسن بن موسى، فرق الشعه، ترجمه محمد جواد مشهور، بناد فرهنگ ايران، تهران، ٥٠٠٠ ش.